



جایگاه کتاب و نگارش در فرهنگ و معارف دینی

حسین شرفی

معارف اسلامی والاترین تجلیل از کتاب و کتابت، از قلم و دانشوران گشته است. قلم دانشمندان دینی برتر از خون پاک شهیدان قلمداد شده است. و نخستین آیات وحی،^۱ نعمت نویسنده‌گی که خدا به بشر داده و حرمت قلم را هم‌تراز نعمت آفرینش، نعمت توانایی بر خواندن و نعمت بزرگ فراگرفتن قرار داد. چنانکه در سرزمین پر خرافه، خشونت و جاهلیت حجاز که احدی خواندن و نوشتن نمی‌دانست، در عصر و زمانی خداوند به قلم و نوشتن سوگند یاد کرد و آن را در حدّ اسماء جلاله خداوندی ارج نهاد و گرامی داشت که مردم آشنایی با هنر نویسنده‌گی نداشتند و فقط توسط فرهنگ شفاهی از تباط برقرار می‌کردند. در پرتو چنین نگرشی کتابت و استنساخ در تلقی دینی نه تنها یک هنر بلکه یک عبادت و تلاش مقدّس دیده گشت. این نگرش تقدیس گونه به کتابت و سوگند قرآن به قلم، زمینه ایجاد نهضت

و گفتار پیامبر(ص).
 ۴. نگارش و گردآوری احکام دینی.
 ۵. نگارش اشعار، مدایح و مراثی که شاعران مسلمان در تأیید دین و رخدادهای دینی می‌سرودند.
 ۶. نگارش گفتگوهای پیامبر و مجالس و ملاقاتهای آن حضرت با دیگران و به ویژه نامه‌های رسول خدا به اطراف و اشخاص، سوانح تاریخی امت مسلمان و سرگذشت‌های اصحاب و الامقام، پیمان‌نامه‌ها، غزوات و...
 این همه باعث پیدایش و رواج فکر و اندیشه دینی و فرهنگ نگارش و کتابت در میان مسلمین گشت. علمی مانند تفسیر، تاریخ و ... بدین وسیله پدیدار شد. و گروهی از عالمان، متفکران پدید آمدند که در آینده چهره بی‌مانندی در تاریخ اندیشه و نگارش و نویسنده‌گی در جامعه اسلامی شدند.
 همه اینها در پرتو فرهنگ علمی و ماهیت دانش‌ورزی اسلام بود. زیرا در

از نخستین لحظات علنی شدن دعوت اسلام، مسأله کتاب و نگارش به ویژه نگاشتن وحی و آیات الهی مطرح گشت. و بدین صورت هنر نگارش هم‌زاد ظهور اسلام شد و دوشادوش تمدن اسلامی پیش رفت. زیراحوزه فرهنگی و کوششهای شناختی با وجود آثار مکتوب انجام می‌پذیرفت. تحول در اندیشه مردم، شناخت مسائل جامعه، فراگیری تعالیم، و پی‌ریزی علوم بدوین توجه به یادداشت و نگارش پدید نمی‌آید. این نگارش در حوزه‌های گوناگون راه افتاد:

۱. نوشتن تفسیر و توضیحات درباره آیات قرآن به ویژه توضیحات رسول اکرم(ص).
۲. نوشتن احوال شخصی و خصوصیات رفتاری و به ویژه زندگی پیامبر که بعداً به عنوان شمائل‌النبی و سیره‌النبی گسترش یافت.
۳. نگارش سخنان، خطبه‌ها، احادیث



بزرگی در تدوین و گرد آمدن آثار گرانبار شد.

بدین ترتیب، فرهنگ دینی با نگارش و کتاب شناخته شد و رهبران بزرگ اسلامی پیشتازان نگارش و از نخستین پدیدآوردندگان کتاب بودند، چنان که امیر المؤمنین (ع) هزاران یادداشت و صفحه گرانبار از خود به جای گذاشت و سالها رهبران دینی و سپس امت مسلمان از نوشته های آن حضرت تحت عنوان، نامه ها، کتابها، وصیتهای، و به ویژه «صحیفه علی» بهره مند شدند. و نیز حضرت صدیق زهرا (س) آنقدر نوشته از خود به جای گذاشت که سالهای سال امامان شیعه و اهل بیت گفتار خود را به «صحیفه فاطمه» مستند می کردند و گفته شده که این یادداشتها چند برابر قرآن کریم بود.

رهبران و بنیانگذاران اسلام هم در عمل و هم در گفتار به صورت اصولی و جدی به مقوله نوشتن و کتابت پرداختند و آن چنان واضح و گویا جامعه رادر این راستا راهنمایی کردند که گاهی مسائل فنی و ابزار نویسندگی را نیز برای مردم بازگفتند نگاهی به برخی از تعالیم دینی که در باب نگارش به ما رسیده مؤید این ادعاهاست:

قال رسول الله (ص):

«من مات و میراثه الدفاتر و المحابر و جبت له الجنة»^۲

آن که از دنیا برود و از خود دفترها

و آثار علمی به جای گذارد بهشت برایش حتمی است.

میراث گرانقدری که از سده های آغازین اسلام به جای مانده فرهنگ پر مایه دینی را در خود جای داده است. این آثار کارنامه دانشمندان و فرزندان بزرگ دینی و هویت نامه آنان است.

در روایت دیگر می خوانیم:

قال رسول الله (ص):

«المؤمن اذا مات و ترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترًا فيما بينه و بين النار و اعطاه الله تعالى بكل حرف مكتوب عليها مدينة اوسع من الدنيا سبع مرات و ما من مؤمن يقعد ساعة عند العالم الا ناداه ربه عزوجل جلست الي حبيبي و عزتي و جلالتي لا سكتك الجنة معه و لا ابالي»^۳

مؤمن چون از دنیا برود و برگه ای از دانش خود به جای گذارد، روز رستاخیز

آن برگ میان او و دوزخ واسطه و مانع می شود و خداوند به هر حرفی که بر آن برگ نگاهش باشد شهری چند بار بزرگتر از دنیا می بخشد. هر مؤمنی که ساعتی نزد

دانشوری برای فراگیری دانش بنشیند، خداوند ندایش دهد: نزد دوست من

نشستی به عزت و جلالم سوگند که تو را بدون چون و چرا در بهشت جای دهم.

در مجامع روانی و کتابهای اصلی که در قرنهای اولیه تاریخ اسلام سامان یافته

به خاطر اهمیت و جایگاه والایی که کتاب در دیدگاه دینی داشته، فصلی به

اهمیت کتاب، نقل دانش، فضیلت نوشتن دانش، نگاهداری و استناد به کتاب آمده است. چنانکه کتاب گرانقدر اصول کافی در بابهای آغازین، بخش «کتاب فضل العلم» و سپس باب «اهمیت و فضیلت نوشتن» را آورده است. در مجامع روایی روایات جالب و قابل توجهی آمده که به برخی از آنها اشاره می کنیم تا جایگاه نگارش، کتاب و نویسندگی بیشتر در معارف اسلامی روشن شود.

قال رسول الله (ص): «قتدوا العلم بالكتاب»^۴

دانش را به کمند نوشته نگاهدارید.

امام صادق (ع) نیز می فرماید:

«هر جزئی از اجزاء بدن را زکاتی است که باید پرداخت و از جمله زکاتهای

دست یکی هم کار کردن با آن است برای نوشتن علوم تا مردم از آن سود ببرند»^۵

در روایت دیگر می خوانیم:

«احتفظوا بكتبكم فانكم سوف تحتاجون اليها»^۶

کتابهای خود را نیک نگاهدارید (و کتابخانه بی نهدید) زیرا که بزودی به آن کتابها نیازمند خواهید گشت.

مولی امیرالمؤمنین (ع) در اهمیت نوشته و ضرورت دقت و حساسیتی که باید در آن به کار گرفت سخنان بی مانندی

گفته است. چنان که می فرماید:

«اذا كتبت كتابا فأعديه النظر قبل ختمه فانما تختم على عقلك»^۷

آن گاه که چیزی نوشتی، پیش از آن



که مهر پایان بر آن زنی، دگر بار بنگر،
زیرا مهر پایان نمی زنی مگر بر عقل
خود.

یعنی: نگاه کن کاستی نداشته باشد که
از آن ضعف عقل و کم دانشی تو استنباط
شود.

«کتاب الرجل عنوان عقله و برهان
فضله»^۸

نوشته انسان دلیل و نشانه عقل و
برهان فضل و دانش او است.

از نوشته کمال عقل و قوت فضل
انسان به دست می آید. پس باید نهایت
دقت را داشته باشی تا نشانی بر نقص
عقل و یا کم دانشی تو نشود.

«کتاب المرء معیار فضله و مسبار
ثبته»^۹

نوشته انسان عیار فضل و مرتبه، و
اندازه نجابت و فرزاندگی است.

«الکتاب ترجمان النیة»^{۱۰}
نوشته برگردان نیت است.

یعنی: مکنونات ضمیر اقرار از
نوشته هایشان به دست می آید.

«الخط لسان الید»^{۱۱}
خط و نوشته زبان دست است.

یعنی: دستی که خط ندارد مانند
دهانی است که زبان گویا ندارد، گنگ و
علیل است.

«الکتاب بساتین العلماء»^{۱۲}
بوستان دانشوران کتاب است.

یعنی: چنان که مردم از سیر در باغها
و پارکها و بیلاقات مبتهج و شادمان

می شوند، دانشمندان از مطالعه کتابها
مسرور می گردند.

«من تسلی بالکتب لم تفته سلوة»^{۱۳}

آن که به کتابها و مطالعه آنها، از
اندوه رهایی یابد، از هر غم و اندوهی
آرامش یابد. و دیگر غم و اندوهها را
فراموش کند و بر او تأثیر نگذارد.

در پرتو چنین تعالیم ارزشمندی بود
که فرهنگ نگارش و تألیف رواج یافت

به ویژه در اسلام اصیل یعنی تشیع، چون
نگارش و گسترش معارف دینی و وظیفه

شرعی تلقی می شد و حفظ و نگاهداری
آنها تکلیف به شمار می رفت کتابت و

نوشتار رونق فزونی داشت و بیش از
فرقه های دیگر اسلامی، شیعه به چنین

اقتخاری دست یافت.
پی نوشت ها:

۱. چنان که مشهور است پنج آیه اول سورة علق
نخستین آیاتی است که وحی یا نزول آنها آغاز

گشت و بعثت پیامبر رسیت یافت، در این چند آیه
خداوند به چند نعمت اساسی در زندگی و مایه های

کفالی انسان اشاره می کند که هر یک از آنها رکنی
از ارکان اصلی و شخصیتی انسان را می سازد: «اقرا

باسم ربک الذی خلق، خلق الانسان من علق» که
اشاره به نعمت بزرگ آفرینش آدمی را «انسان»

دارد. و «اقرا و ربک الاکرم»، که اشاره به نعمت
توانایی انسان بر خواندن و خوانایی است و

«الذی علم بالقلم»، اشاره به نعمت «نویسندگی»
برای انسان دارد. و «علم الانسان ما لم يعلم»، که

اشاره به نعمت «خوانایی» انسان است. هر یک از
این نعمتها که بر محور فهم، دانش و نوشتن دور

می زند چه اندازه نقش حیاتی در ماهیت انسان و
شخصیت وی دارد؟ اگر خداوند یکی از این نعمتها

را به بشر نمی داد چه نارسایی و کمبود بزرگی
در سیر تکاملی و توانایی های وی پدید می آمد؟

۲. «آینه میراث»، نشر میراث مکتوب / ۷.

۳. «دایرة المعارف اعلمی»، ج ۲۴ / ۱۶۹.

۴. «تحف العقول»، بساب اول، سخنان
پیامبر (ص).

۵. «سفینه البحار»، ج ۲ / ۶۶۱.

۶. «اصول کافی»، کتاب فضل العلم، باب ۱۷
حدیث ۱.

۷. «غررالحکم» آمدی، چاپ دانشگاه، ج ۳
/ ۱۹۰.

۸. «همان»، ج ۴ / ۶۴۵.

۹. «همان».

۱۰. «همان»، ج ۱ / ۸۰.

۱۱. «همان»، ج ۱ / ۱۸۶.

۱۲. «همان»، ج ۱ / ۲۴۵.

۱۳. «همان»، ج ۵ / ۲۳۳.